

اینها گوشه هایی از جنایات رژیم شاهنشاهی پهلوی و ایادی
مزدورش در غارت و اشغال وحشیانه سرزمین ما می باشد. صد
البته جنایات حکومت "اسلامی" بمراتب وحشیانه تر از
میراثخوارش می باشد.

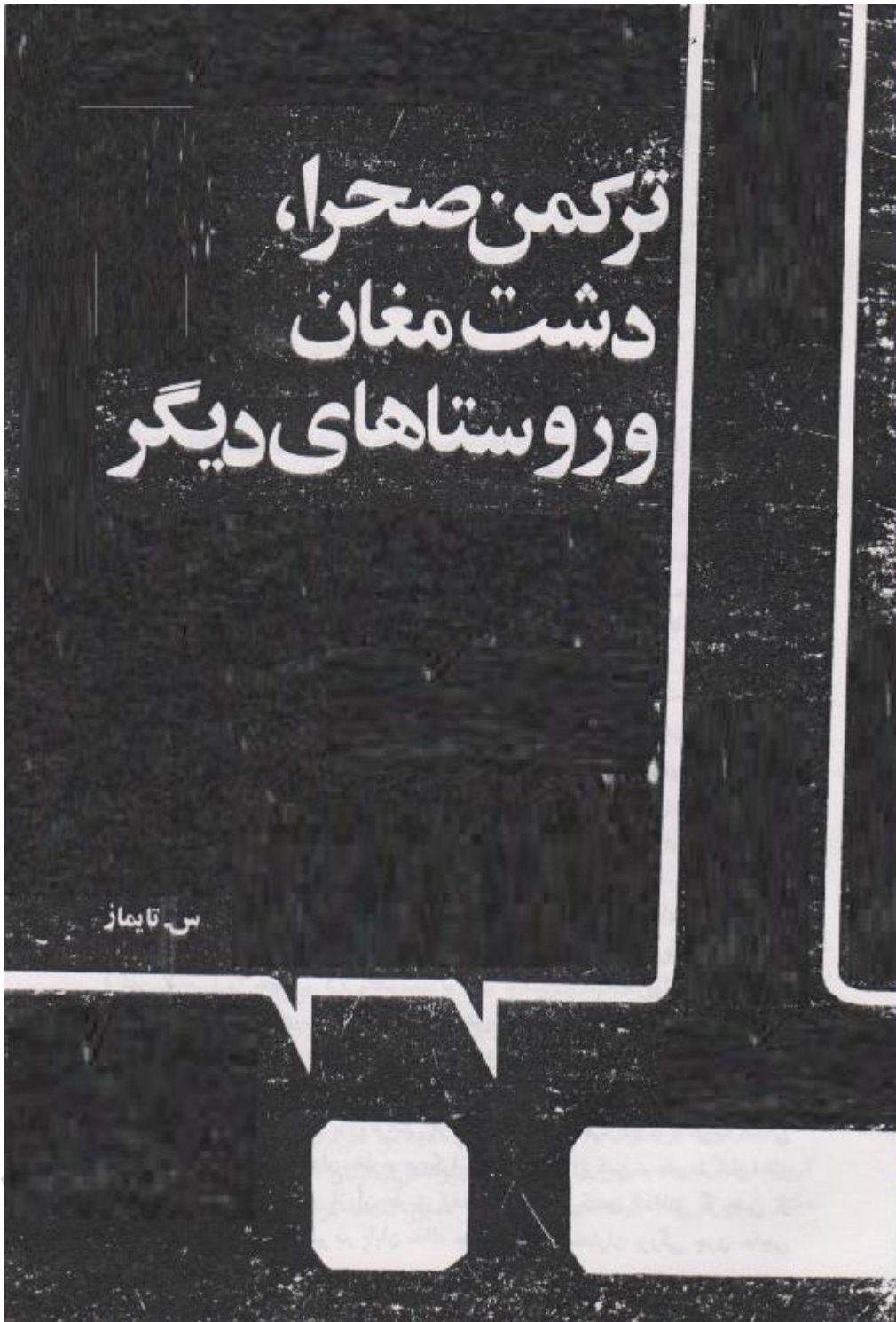
این اسناد و واقعیات گوشه ای از تاریخ معاصر ملت تورکمن می
باشد که چسان سگهای زنجیری پهلوی وحشیانه تورکمن را
دریدند و پدرانمان خون استفراغ کردند. شناخت آن جنایات بر
نسل جوان امری حیاتی است.

کتابچه زیر حاصل تحقیق دوست ما آقای تایماز در اوائل سال
1358 می باشد. بخش مربوط به تورکمن صحرا را در اینجا
می آوریم.

آرنه گلی

مدیر مرکز مطالعات تورکمن

دسامبر 2012



مطالبی درباره ترکمن صحرا

این نوشته گزارشی از ترکمن صحراست، مدارک این گزارش در فرصت کم و با عجله بسیار جمع‌آوری شده، از مناطقی مانند «جرگلان» و «کوکلان» که ساخت اجتماعی آن با جاهای دیگر متفاوت است مدارکی ندارم و نتوانستم به آنجا بروم. با توجه به ناقص بودن مدارک نمی‌توان تحلیلی از ساخت اجتماعی - اقتصادی ترکمن و کلیت آن بدست داد ولی از طرفی هم در اینروزگار و انفسا نمی‌توان دست روی دست گذاشت. در اینجا تلاش می‌شود حداقل طرحی از قضیه ارائه شود. باشد تا دیگران برای پاسخ به‌مسئله مطروحه قدمی بردارند.

چیزی که جامعه ترکمن را تحت تأثیر قرار داده، پروسه تمرکز زمین در دست زمینداران و بی زمین شدن دهقانان است. تمرکز زمین عموماً از طریق قهر انجام شده و غاصبان با اتکاء به قدرت بوروکراتیک و نظامی و اهرمهای دیگر این عمل را انجام داده‌اند. اگر سیر تاریخی مالکیت ارضی در ترکمن صحرا مورد بررسی قرار گیرد مسائل مهمی روشن خواهد شد، مسائلی مانند:

«تطبیق روابط فنودالی با مناسبات سرمایه‌داری جهانی»، «سیاست‌های آگاهانه و یا خودبخودی سرمایه‌داری جهانی در مورد مسأله ارضی» و غیره. از رضاخان که تمام ترکمن صحرا را غصب کرد بگذریم، نوبت به تقسیم املاک پهلوی و «اصل چهارترومن» در سالهای ۱۳۳۰ می‌رسد. بعد نوبت طرح عمرانی گرگان و دشت است که قرار دادن آن بین سازمان برنامه و بنیاد فورد منعقد می‌شود. و سپس بانک عمران، اداره املاک پهلوی، اصلاحات ارضی و... وارد میدان می‌گردند.

بهرحال، دربار و ارتش و بوروکراسی در رأس زمینداران قرار دارند و تقریباً همگی غیر ترکمن هستند. زمینداران خارج بوروکراسی و ارتش (ترکمن و غیر ترکمن) نیز شدیداً به آنان متکی بوده و از آن طریق اعمال قدرت می‌کنند. اسامی گروهی از زمینداران اطراف سدوشمگیر در پایان مقاله چاپ شده، زمینداران بزرگی چون حاجی

«بهکده جذامیان»، به اسم منابع طبیعی و به اسم «موقوفه گارد شاهنشاهی»! از دست دهقانان خارج شده است.

سروان هنرور نماینده شاهپورغلامرضا مقدار زیادی زمین نزدیک «گرکز» سرلشکر «انصاری» حدود ۳۰۰/ هکتار زمین در «صوفی شیخ»، شاهپورحمیدرضا مقدار زیادی زمین در نوار مرزی اترک و سرلشکر «مقصودی» حدود ۳۰۰/ هکتار زمین در «ترشکلی» غصب کرده‌اند. تیمسار «کوه‌رنگی»، و خسروداد دو سال پیش چاهی را که از طرف وزارت نیرو برای آب آشامیدنی مردم حفر شده بود، غصب کرده و زمین‌های غصبی خود را آبیاری کردند و هیچ مرجعی به شکایات مردم در این مورد رسیدگی نکرد. در «بهکده جذامیان» که هزاران هکتار زمین دهقانان غصب شده، دیناری بدهقانان پرداخت نشده است. به راستی جذام تهیدستان نیز برای طبقات حاکم معجزه می‌کند! اکنون نیز رادار جاسوسی آمریکا در «جرگلان» با خیال راحت آسمان را جارو می‌زند! «سلاق نوری» روستائی است که از دو بخش تشکیل شده، سلاق شمالی ۲۸ خانوار و ۱۵۰/ نفر جمعیت دارد در اینجا به ذکر سلاق شمالی اکتفا می‌کنیم. اجاره نامه‌ای موجود است که شخصی به نام «حاج یاری آقچه‌لی» ۸۰ هکتار از زمین‌های سلاق شمالی را که از قطعات ۲ تا ۱۲ هکتاری متعلق به ۱۳ دهقان ساکن آنجا که اسامی هر ۱۳ نفر با مساحت زمینشان در سند ذکر شده است، در سال ۱۳۴۱ به مدت ۵ سال و به مبلغ یکصد هزار ریال به شخصی به نام «هوشنگ بیجرانلو» اجاره داده است. بعداً هوشنگ بیجرانلو این زمین را به شخصی دیگری به نام سرگرد «مجاهد» واگذار می‌کند. سرگرد «مجاهد» در این زمین سازمان کشاورزی دایر می‌کند. در سازمان سرگرد مجاهد به جای کارگر چهار نفر سرباز نیز کار می‌کرده‌اند.

«یولمه سالیان» روستای بزرگی است که در نزدیکی سد وشمگیر واقع شده که گارد شاهنشاهی نیز در همان حدود می‌باشد. اسم گارد شاهنشاهی قبلاً «شاه مزرعه» بوده و با استقرار گارد شاهنشاهی زمین‌های زیادی بنام موقوفه گارد شاهنشاهی غصب شده است. عده‌ای از دهقانان یولمه سالیان چون خود قادر به کشت زمین نبوده‌اند در سال ۱۳۳۴ طبق اجاره‌نامه‌ای که موجود است، زمین‌هایشان را که مساحت مجموع آن ۱۴۰ هکتار بوده به مدت ۵ سال به شخصی به نام «آخوندنژاد» اجاره می‌دهند، مبلغ مال‌الاجاره نقدی، و بابت هر هکتار ۲۵/ تومان و جمعاً ۳۵۰۰/ تومان بوده است که مستاجر می‌بایست هر سال قبل از شخم زدن زمین‌ها این مبلغ را می‌پرداخته. در سال ۱۳۳۹ پس از انقضای مدت قرارداد دهقانان زمین خود را دوباره متصرف می‌شوند و تا سال ۱۳۴۲ در تصرف آنان بوده است. در تاریخ ۴۲/۸/۱۶ طبق اجاره‌نامه‌ای که تحت فشار مأموران گارد شاهنشاهی منعقد می‌شود، همان دهقانان سابق با اضافه عده دیگری

از دهقانان زمینشان را به مدت دو سال به «قلیچ محمدیك زاده» برادر و قائم مقام «حاج ایل محمد بیك زاده» واگذار می نمایند. این برادران از مال منال حسابی برخوردار بوده و خود علاوه بر این زمینها، زمینهای وسیعی داشته اند. مال الاجاره قید شده در قرارداد يك چهارم محصول است. در موقع انقضای مدت قرارداد، یعنی در سال ۱۳۴۴ مجدداً تحت فشار گارد شاهنشاهی اجاره نامه دیگری به مدت ۱۰ سال بین اهالی و برادران بیك زاده منعقد می شود. دهقانان طرف قرارداد این بار ۲۱۴ نفر و زمین مورد قرارداد ۳۰۰ هکتار بوده است، که ۸۴ نفر از آنان بعداً زمین خود را به بیك زاده می فروشند و ۱۳۰ نفر بقیه که مساحت زمین آنها / ۱۷۰ هکتار بوده در مقابل يك چهارم محصول زمینشان را اجاره می دهند. بیك زاده هیچوقت این مال الاجاره را به دهقانان نمی بردارد. روستائیان معترض از طرف گارد شاهنشاهی مورد تعقیب قرار گرفته و بازداشت می شوند. بازداشت شدگان را در گارد شاهنشاهی نگهداری کرده، روزها از آنان بیگاری می شکند و شبها آنان را با آب داغ شکنجه می کنند. در سال ۱۳۴۹ بیك زاده مأموران اصلاحات ارضی را به روستا می برد تا آمار ارضی بگیرند و بدین طریق برای خود مدرک مالکیت بسازد. در همین منطقه زمینداران دیگر نیز با همین روش زمینهای خود را گسترش داده اند. در سرتاسر ترکمن صحرا این اعمال انجام شده است در اینجا نمونه «مرجان آباد» را نیز به تفصیل می آوریم

مرجان آباد يك روستای ویران شده ترکمن صحراست و در چند کیلومتری گنبد کاووس قرار دارد. اسم قدیمی این قریه «قزلجه» بوده که / ۱۰۰ خانوار ساکن. چهار قنات و يك چشمه و حدود هزار هکتار زمین و مرتع داشته است. وقتی رضاخان به قدرت می رسد تمام ترکمن صحرا به ملک او تبدیل می شود. در زمان تسلط رضاخان استواری به نام مرجان خان چند هکتار از زمینهای قزلجه را به بهانه توتون کاری تصرف می کند و بعد از مدتی این چند هکتار را با نام جعلی «مرجان آباد» بطور محرمانه و بدون ارائه مدرک در محضر شخصی به نام «مظلومی»، به مبلغ ۹۰۹ تومان به رضاخان می فروشد. بعد از آن در صدمتری قزلجه چند خانه ساخته شده و به جای قریه «قزلجه»، قریه دیگری به نام «مرجان آباد» ساخته و پرداخته می شود و قریه قزلجه با تمام وجودش از نظر اداری گم می شود. از آن موقع تا کنون تلاش اهالی قزلجه اثبات وجود قریه ای به نام «قزلجه» بوده و هست.

بعدها پسر مرجان خان، «مرجان آباد» را از اداره املاک رضاخان می خرد و در سال ۱۳۲۷-۲۸ کلا هشت هکتار از قزلجه را با نام جعلی شش دانگ «مرجان آباد» به محمد قاریابی، ۵ سال اجاره می دهد. این تاریخ آغاز فاجعه جدیدی است چون محمد

فاریابی آن زمان به غصب زمین‌های دهقانان می‌پردازد و در این راه از هیچ چیز فروگذار نمی‌کند.

مردم رزستا می‌گویند: «محمد فاریابی همدانی، دلال پوست بود و محمدلنگ معروف بوده است و زمانی در چیره‌بندی قند و شکر تقلب کرده و تحت تعقیب قرار گرفته است. این محمد فاریابی در ساختن راه آهن با خارجی‌ان کار می‌کرده و در آنجا طلا پیدا کرده...» بهر حال فاریابی در سال ۲۷ تا ۲۸ مرجان آباد را تصاحب کرده و به غصب بقیه زمین‌ها و ویران کردن خانه‌های دهقانان قزلبچه و مرجان آباد می‌پردازد. برای غصب زمین‌ها به متراک تراشیدن و اعمال مختلفی دست می‌زند. برای تعیین حدود اراضی مهندس نقشه‌بردار می‌آورد و به او رشوه می‌دهد تا اراضی وسیعی را به نامش ثبت کند ولی در اثر مبارزه دهقانان مهندس از این کار سر باز می‌زند. بعداً سر و کار مردم با ژاندارمری است، در سالهای ۳۱، ۳۲ و ۳۳ ژاندارمها را قرق می‌کنند در تاریخ ۳۱/۱/۲۵ سرگرد صدری فرمانده گروهان ژاندارمری با ژاندارمهایش وارد ده می‌شوند و بعد از فحاشی و کتک کاری ده را گلوله باران می‌کنند، مردها متواری می‌شوند و زنها به زیر لگد و قنذاق تفنگ ژاندارمها می‌افتند، چند زن بداخل تنور سوزان انداخته می‌شوند. سه نفر از مردهای دستگیر شده را لخت کرده و طناب پیچ می‌کنند و به درخت می‌بندند و بعد از سه روز از درخت باز کرده و در حالت بیهوشی آنان را بداخل لجن می‌اندازند. گوسفندها را سر می‌برند و خانه‌ها را غارت می‌کنند و خانه یکی از دهقانان را به پاسگاه تبدیل می‌کنند. عده‌ای از متواریان به دادگستری شهر پناه می‌برند از دادگستری بازپرسی به نام «فرشید» روانه ده می‌شود. بازپرس در ورود به ده جز چند بچه کوچک کسی را نمی‌بیند، بچه‌ها دور بازپرس جمع شده می‌گویند: «تیراندازی شده...» فرشید می‌گوید حرف بچه مدرک نیست و قضیه را ماست مالی می‌کند. دهقانان را از دادگستری می‌رانند، تعدادی از آنان توسط ژاندارمری بازداشت شده و بدون اعلام به دادگستری روانه زندان گشته و مدت‌ها در حبس می‌خواهند، بقیه در تلگرافخانه متحصن می‌شوند ولی در تاریخ ۳۱/۳/۲۰ بدون نتیجه‌گیری مجبور می‌شوند از تحصن خارج شوند. «میلانی» نامی رئیس دادگستری وقت گنبد و «توفیقی» نامی رئیس بیدادگاه بوده‌اند که حق دهقانان را پایمال کرده و به فاریابی تقدیم می‌کنند. دهقانان که از تحصن خارج شده و به مراجعت می‌کنند می‌بینند که در مدت تحصن فاریابی دورکشت سبز پنبه آنان چپر کشیده و سر مزارع آنان نیز ژاندارم مسلح گذاشته است و بدین ترتیب مانع کار کردن آنان بر روی مزارعی که خودشان کاشته بوده‌اند می‌شود. بعد از چند ماه که ژاندارمری در ده حکومت نظامی برقرار کرده بوده است، سرهنگ «رویگریان» از گرگان به آنجا می‌رود و با ارباب و تهدید دهقانان وعده‌های اندکی به آنان می‌دهد ولی

مردم زیر بار نمی‌روند. نتیجه آن می‌شود که بازهم زمین‌های فاریابی وسعت یافته و دهقانان بی زمین می‌گردند. و بدین طریق فاریابی در زد و بند با ارتش و بوروکراسی به‌بلعیدن دهقانان ادامه می‌دهد، با ژاندارمها و چماقدارانش یکه تاز میدان می‌شود و صدای حق طلبانه دهقانان را در گلو خفه می‌کند. تا جایی که می‌توانسته دور زمینها را سیم خاردار می‌کشد، چندین خانه مسکونی و مسجد روستا در درون سیم خاردار قرار می‌گیرند که بعداً آنها را ویران می‌کند و عجباً که جای مسجد اصطبل می‌سازد (اهالی از مسجد زمانیکه در داخل سیم خاردار قرار گرفته و نیز زمانی که جای آن اصطبل ساخته شده، عکس گرفته و به‌عنوان مدرک نگهداشته‌اند)

در سال ۳۳ در جریان تقسیم املاک پهلوی، اسدالله علم به‌گنبد می‌رود. دهقانان قزلبچه پیش علم نظم می‌کنند علم در جواب می‌گوید: «نقشه زمینهای فاریابی را اداره املاک پهلوی، فرمانداری و ژاندارمری تأیید کرده‌اند و از من کاری ساخته نیست. شما از این جا کوچ نکنید و همین جا باشید من سعی می‌کنم در همین حوالی چهار هکتار از املاک سلطنتی به‌هر يك از شما فروخته شود.» ولی وعده علم هیچوقت عملی نشد. در جریان اصلاحات ارضی، بار دیگر فاریابی می‌تواند سیم خاردار اطراف زمینهایش را بگشاید و بازهم زمین‌ها و خانه‌های جدیدی را بی‌لمد. باید دانست که در جریان اصلاحات ارضی فقط زمین‌های فاریابی وسعت می‌یابد و هیچکس دیگر حتی يك وجب زمین نمی‌گیرد. در این جریانها چهار قنات و يك چشمه ده ویران شده و چاه فاریابی جانشین آنها می‌گردد.

خود فاریابی مدعی است که ۵۵۲ هکتار زمین دارد، در صورتیکه طول و عرض مزرعه در حدود سه کیلومتر است که وسعت مزرعه در حدود ۹۰۰/ هکتار می‌شود. مزرعه ویلائی سلطنتی با ۳۰/ هکتار باغ دارد. از این باغ دو سال پیش فقط ۵۰/ هزار تومان سیب و پارسال ۲۰۰ هزار تومان آلوی قطره‌طلاتی فروخته شده است. ماشین‌آلات سازمان فاریابی عبارت از چندین دستگاه تراکتور، کمباین، ماشین پنبه چین ماشین کاه بند و غیره است. از هر هکتار بیش از ۴ تن گندم حاصل می‌شود و با يك حساب سرانگشتی درآمد سالانه آن جناب بیش از ۷ میلیون تومان می‌گردد. دهقانان آواره، هر يك درجائی به‌کارگری و کاسبی پرداخته‌اند و عده‌ای هم با تکه زمینی که برایشان مانده و برای هر يك از دو- سه هکتار بیشتر نیست در همانجا زندگی می‌کنند ولی همگی هنوز هم داروندارشان را می‌فروشند و به‌عریضه نویس می‌دهند تا حرفشان را به‌گوش کسی برسانند. از بقایای سی سال مبارزه، صدها عریضه به‌عنوان مدرک باقی مانده است.

برای آنکه گوشه دیگری از وضع زمینداری روشن شود نمونه دیگری را می آورم: «بش اوپلی» قریه‌ای است که تعدادی از زمینداران آن که در نظر اهالی روستا غاصب تلقی می‌شوند به ترتیب زیر است:

- ۱- تقی عطائی، ساکن ده نزدیک، ۱۰ هکتار زمین را تصرف کرده.
 - ۲- اکرم خسروی، ساکن شهر گنبد کاووس، ۲۰ هکتار را تصرف کرده.
 - ۳- حاج علی مجیدی، ساکن شهر شاه‌پسند (سابق) با ضرب و جرح ۴۰ هکتار زمین را تصرف کرده.
 - ۴- اسماعیل مجیدی، ساکن شهر شاه‌پسند (سابق) ۲۰ هکتار زمین را تصرف کرده.
 - ۵- سروان عزیزالله، با ضرب و جرح ۴۰ هکتار زمین را تصرف کرده.
 - ۶- اکبر عزیزی، ساکن شهر کلالة، ۱۰ هکتار را تصرف کرد.
- آب هم اهرم دیگری برای بی‌زمین ساختن دهقانان است. در سالهای گذشته چاه زدن ممنوع می‌شود. بهمین علت، بیش از چهار - پنج میلیون تومان رشوه خورده می‌شود و بیش از هزار حلقه چاه حفر می‌شود که طبیعتاً همه آنها متعلق بدم کلفت‌هائی است که هم قادرند چنین رشوه‌ای بدهند و هم در بوروکراسی دستی داشته‌اند. تمام بوروکراسی نیز در خدمت زمینداران است وزارت نیرو برای تیمسار انصاری به‌رایگان چاه آرتزین حفر کرده است. همچنین به‌خرج وزارت نیرو برای گارد شاهنشاهی چاه‌های عمیق حفر شده که مامور آنها سرهنگ قادری بوده است. بوروکراتها در سرمایه‌گذارها نیز دزدیهای کلان کرده‌اند مثلاً سرهنگ معطری در سال ۴۷ در دامداری ارتش پول کلانی به‌جیب زده است.
- زمینداران به‌خاطر ضدیتی که با ترکمن‌ها دارند کارگران غیر بومی (اغلب بلوچ) را بکار می‌گیرند. مثلاً در سازمان فاریابی ۶ راننده و ۶ کارگر دیگر بلوچ یعنی جمعاً ۱۲ بلوچ کار می‌کنند. راننده پایه یک که ۱۷ سال در آنجا کار کرده است ماهانه /۳۰۰۰ تومان مزد می‌گیرد با‌اضافه سالانه چند تن گندم. باغبان با ۱۱ سال کار ماهانه ۱۵۰۰ تومان می‌گیرد راننده دیگری با‌قرداد سالیانه /۲۰ هزار تومان کار می‌کند او هم ۱۳ سال در آنجا کار کرده است. همه اینها در ابتدا با حقوق ماهانه ۲۰۰-۳۰۰ تومان استخدام شده‌اند. و همه آنها علاوه بر دستمزد فوق، همچنانکه در مورد راننده اولی گفته شد سالیانه مقداری کمی هم دستمزد جنسی دریافت می‌کنند. فاریابی از ترکمن‌ها نیز جهت کارهای فصلی بهره‌می‌گرفته است مثلاً در سال گذشته ۲۰ نفر از اهالی قزلبچه را با وعده دستمزد روزانه ۳۵ تومان اجیر کرده ولی در موقع پرداخت دستمزد ابتدا چند روز را کسر کرده و برای بقیه روزها نیز روزانه ۳۰ تومان پرداخته است.

برآمد سیاسی عظیم

مسأله اساسی ترکمن صحرا مسأله ارضی است، مسأله ملی نیز به مسأله ارضی اضافه می‌شود. دهقانان ترکمن در طول دوران اختناق با هر وسیله ممکن با زمینداران مبارزه کرده‌اند. با سقوط رژیم میلیتاریستی شاه حرکت توده‌ای وسیعی شکوفا شد، در روستاها مختلف دهقانان به طرز پراکنده شروع به خلع ید از زمینداران غاصب کردند. چند روز بعد از قیام جوانان ترکمن با دست خالی به فرمانداری گنبد کاووس رفته و در آنرا گشوده و وارد آنجا شدند و موجودیت کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را اعلام کردند. در همان روزها دبیرستانی به نام «مختومقلی فراغی» شاعر ترکمن نامگذاری شد. این کارها با استقبال عامه خلق ترکمن و عکس‌العمل شدید ارتجاع روبرو شد. دهقانان که از زمینداران خلع ید کردند برای اداره مزارع مکانیزه شورا تشکیل دادند. پس از چندی این جریانها بهم پیوسته و به کمک روشنفکران ترکمن در «ستاد مرکزی شوراهای خلق ترکمن» در شهر گنبد کاووس مرکزیت یافت. زمینداران که پایه‌های کاخ ستم خود را بر آب دیدند از هر طرف دست به توطئه زدند. در اسفندماه سی و چهار تن از زمینداران در گنبد کاووس متحصن شدند. حجت‌الاسلام امید نماینده فوق‌العاده امام و عباس رادنیا نماینده فوق‌العاده نخست وزیر جهت رسیدگی به خواست آنان راهی گنبد کاووس شدند، یک هیات از نمایندگان ستاد ارتش، ژاندارمری و شهربانی افراد فوق را همراهی می‌کردند. زمینداران متحصن خود را نمایندگان کشاورزان ترکمن قلمداد کرده بودند. قبل از این جریان خلق ترکمن تظاهرات با شکوهی را در شهر گنبد کاووس برگزار کرده بودند و مقامات دولتی برای ارباب تظاهرکنندگان با هواپیماهای فانتوم دیوار صوتی را بر بالای سر تظاهرکنندگان شکسته بودند. در جلسه‌ای که آقای امید سخنرانی می‌کرد یکی از جوانان ترکمن اعتراض می‌کند که چرا شما برای ارباب ترکمن‌ها فانتوم فرستادید؟ آقای امید در جواب می‌گوید: «فانتوم که هیچ، اگر لازم باشد بیش از اینها نیز خواهیم کرد.»

در اواخر اسفند و در اوایل فروردین در عرض چند روز بیش از ۵۰/ شورای دهقانی تشکیل شده به ستاد مرکزی شوراها مراجعه کردند. وحشت ارتجاع از این جنبش اجتماعی بیش از حد بود و بدین دلیل بود که در دنباله توطئه چینی‌های مفصل آتش جنگ را افروختند، از شهرهای قم و مشهد و گرگان و... جوانان ناآگاه و بی‌تجربه را به جنگی که انگیزه‌هایش برای آنان ناشناخته بود کشاندند و آنان را رودرروی برادران ترکمن قرار دادند. تمام تلاش ارتجاع این است که ستاد مرکزی شوراها واقع در گنبد کاووس را متلاشی کند. ولی به جای شوراهای دهقانی چه می‌خواهند قرار بدهند؟

دهقانان بی سرمایه ترکمن که نمی‌توانستند زمین را کشت کنند، و سرمایه‌داران و زورگویان زمین را از دست آنان خارج می‌کردند. اکنون که دهقانان مزارع مکانیزه را متصرف می‌شوند چاره‌ای ندارند جز اینکه آنرا به شکل تعاونی و به کمک کارگران بلوچ اداره کنند. یعنی يك شورای کارگر- دهقانی در مزارع تشکیل می‌دهند. این روشی است که دهقانان در پیش می‌گیرند. آیا باید دوباره زمین‌ها را قطعه قطعه کرد؟ آیا باید اداره مزارع را به بوروکراسی سپرد؟ یا اداره آنرا به سازمانهای دمکراتیک محلی واگذار کرد؟ تنها زمینداران ترکمن صحرا که منافع حیاتی آنان بخطر افتاده، دشمن تعاونی تولید نیستند، بلکه ارتجاع در سطح کل جامعه از آن وحشت دارد و بدین آسانی عقب‌نشینی نخواهد کرد.

زمینداران نیمه‌های شب به روستاها می‌روند و به توطئه چینی می‌پردازند حاجی خندان زمیندار بزرگ در روستا آرد پخش می‌کند و دست به عوام فریبی می‌زند. چه اقتشاری از روستا و با چه توانی از طبقات حاکم پشتیبانی خواهند کرد؟ باید يك تحلیل طبقاتی از جامعه بدست داد و نیروهای اجتماعی را شناخت. جنبش دهقانان ترکمن به کجا خواهد انجامید؟

مسلم است که سرنوشت این جنبش به مبارزه کلی در کشورمان بستگی دارد که آنها هم شدیداً با اوضاع جهانی روبرو می‌شود. برای رهبری جنبش توده‌ها تئوری انقلابی و برنامه حساب شده و دقیق لازم است و بدون آنها کارها دچار این‌الوقتی شده شکست خواهد خورد.

نیمه فروردین ۵۸.

اسامی گروهی از زمینداران اطراف سد « وشمگیر »

۲۰ هکتار	سروان جهان‌بینی	۷۰ هکتار	سروان خوجینی
۲۰ هکتار	سرهنگ جهان‌بینی	۷۰ هکتار	سروان پورزند
۲۰ هکتار	سرگرد زروان	۵۰ هکتار	سرگرد قادری
۲۰ هکتار	سروان لطفی	۵۰ هکتار	سروان مجتهدی
۲۰ هکتار	سرهنگ نراقی	۵۰ هکتار	سرگرد مهدی زنکنه
۲۵ هکتار	سرهنگ برومند	۵۰ هکتار	سرهنگ دکتر صلحپور
۵۰ هکتار	سروان ورنوس و سرگرد بهمان‌پور	۵۰ هکتار	سرهنگ شفقت و سروان شاهسون
۱۰۵ هکتار	سرگرد قادری	۵۰ هکتار	سروان مجتهدی و سروان نبین
۲۰ هکتار	سرهنگ نراقی	۵۰ هکتار	سروان مجتهدی
۵۰ هکتار	سرهنگ بوسفی	۵۰ هکتار	سرهنگ امیر سلیمانی
۲۰ هکتار	سروان مخمفی	۵۰ هکتار	نیمسار وشمگیر (به جعفریای فروخته)
۲۰ هکتار	سروان هدایت	۵۰ هکتار	سرهنگ کاظم خزانی
۲۰ هکتار	سرگرد صدری	۵۰ هکتار	سرلشکر ناصر اسکونی
۲۰ هکتار	سرهنگ بیگلری	۵۰ هکتار	سرهنگ ابراهیم خلوتی
۲۰ هکتار	سرهنگ سلیمان	۵۰ هکتار	سروان شجاعی و سروان امینی
۵۰ هکتار	سرهنگ ایرملو	۵۰ هکتار	سرگرد قادری
۵۰ هکتار	نیمسار کسرانی	۵۰ هکتار	دکتر کریمی
۵۰ هکتار	سرگرد زرین‌خاهه	۵۰ هکتار	سرهنگ الفت
۵۰ هکتار	سروان امیری	۵۰ هکتار	سروان اسکندری و سروان پورزند
۵۰ هکتار	سجاعتان سهد	۵۰ هکتار	سروان شجاعی
۵۰ هکتار	سجاعتان نیب	۵۰ هکتار	سرگرد غفوری پورو برده
۱۰۰ هکتار	ناصر صدری (اساندار)	۵۰ هکتار	سرهنگ شاملو
۱۰۰ هکتار	نیمسار سپید سفت	۵۰ هکتار	سرهنگ هاشمی قوجانی
۹۰۰ هکتار	حاجی خندان	۵۰ هکتار	سرهنگ ارفعیان
۱۰۰ هکتار	نیمسار هاشمی بزاد	۵۰ هکتار	سرگرد قادری
۱۰۰ هکتار	بی‌آدم	۱۰۰ هکتار	سرلشکر خسروپناه
۲۷۵ هکتار	مورد کشت برادران جعفریای	۱۰۰ هکتار	سپید ضرغام (امرفلی)
۴۲ هکتار	اصغر امیر صادقی	۱۰۰ هکتار	سپید گلستانه (هدایت)
۱۰۰ هکتار	خانم مرحوم سرهنگ پیلوون	۱۰۰ هکتار	نیمسار کسرانی (به برادران جعفریای فروخته)
۱۰۰ هکتار	نیمسار قرصای	۵۰ هکتار	نیمسار کسرانی
۱۰۰ هکتار	نیمسار مقیم‌پور	۶۰ هکتار	سروان شجستانی
۵۰ هکتار	نیمسار بدره‌ای	۵۰ هکتار	سرنبیب آریازند
۵۰ هکتار	سرهنگ رخشا	۵۰ هکتار	سرهنگ احمد اسفندیاری (به جعفریای فروخته)
۵۰ هکتار	سروان شجاعی	۵۰ هکتار	
۵۰ هکتار	سرهنگ ناظم		
۵۰ هکتار	آقای محمودچم		
۵۰ هکتار	سرهنگ دمسردنمی		
۱۰۰ هکتار	نیمسارچم	۶۲ هکتار	سرهنگ آذری
۵۰ هکتار	سروان جلالی	۳۶ هکتار	سروان جهان‌بینی
۲۲۰٫۷۵ هکتار	حاجی خندان	۵۰ هکتار	سرهنگ امیر ابراهیمی
حدود ۱۰۰ هکتار	آخوندزاده	۱۰۰ هکتار	سروان ملک‌شاهی
مورد کشت حاج آنسورقلی خندان حدود ۶۰ هکتار		۱۶۰ هکتار	امانلی و برادران جعفریای
		۸۵۰ هکتار	مورد کشت برادران جعفریای
		۲۰ هکتار	بگلرزاده
		۲۰ هکتار	مقدم
		۲۰ هکتار	مختاری
		۲۰ هکتار	سروان ناظم
		۲۰ هکتار	مافی
		۲۰ هکتار	سرهنگ رشیدی
		۲۰ هکتار	سروان رحیمی
		۲۰ هکتار	دکتر طاهری (جزو شرکت آریا)
		۲۰ هکتار	ماکوئی
		۲۰ هکتار	سرهنگ نراقی

???? ??????? ???????

